

ترجمه کلیشه‌های جنسیتی:

مطالعه موردی مجموعه داستان کاغذدیواری زرد و رمان به رنگ ارغوان^۱

احمد ایرانمنش^۲ و نرجس آسوده‌گان^۳

چکیده

صاحب‌نظران حوزه مطالعات ترجمه، نظیر هاوس، بسنت و لفور، همواره بر این نکته تأکید دارند که ترجمه یکی از الگوهای بارز تعامل میان دو فرهنگ است؛ بدین معنا که در ترجمه نه تنها دو زبان، بلکه دو فرهنگ با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در این میان، کلیشه‌های جنسیتی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی ممکن است به هنگام ترجمه دستخوش تغییراتی متناسب با فرهنگ زبان مقصد شوند. هدف پژوهش حاضر بررسی کلیشه‌های جنسیتی موجود در مجموعه داستان کاغذدیواری زرد و رمان به رنگ ارغوان و شناسایی راهکارهای ترجمه مورد استفاده در ترجمه فارسی این آثار جهت تشخیص رویکرد مترجمان در برگردان آن‌ها می‌باشد. جهت انجام این کار، ابتدا کلیشه‌های جنسیتی موجود در نسخه اصلی آثار نامبرده شناسایی و استخراج گردید. سپس، راهکارهای به‌کار گرفته‌شده در ترجمه کلیشه‌ها مشخص شد. نتایج پژوهش نشان داد که مترجمان در ۷۱/۵ درصد از موارد، کلیشه‌های جنسیتی زبان مبدأ را عیناً به زبان مقصد انتقال داده‌اند و تنها در ۲۸/۵ درصد موارد دست به تغییر کلیشه‌ها زده‌اند. بر این اساس، راهکارهای مورد استفاده مترجمان به‌ترتیب کثرت کاربرد شامل حفظ معرف‌های جنسیتی (۷۱/۵٪)، جایگزینی معرف‌های جنسیتی (۱۲٪)، تصریح معرف‌های جنسیتی (۸٪)، حذف معرف‌های جنسیتی (۵/۵٪) و افزودن معرف‌های جنسیتی (۳٪) بوده است.

واژه‌های راهنما: تفاوت‌های فرهنگی، راهبردهای ترجمه، کلیشه‌های جنسیتی، معرف‌های

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۶ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۵ به تصویب رسید.

۲. نویسنده مسئول: استادیار مطالعات ترجمه، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ پست الکترونیک: ai.iranmanesh@iauo.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ پست الکترونیک: narjes.asudegan@yahoo.com

مقدمه

لیپمن^۴ (۱۹۲۲)، برای نخستین بار در کتاب خود، فرهنگ عامه^۵، کلیشه را به‌عنوان تصویر یا تصور تحریف‌شده در ذهن یک انسان تعریف کرد که به‌جای تجربه شخصی، برگرفته از فرهنگ او می‌باشد (Casey et al., 2007). در نظر او، شکل‌گیری کلیشه‌ها با انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همراه بوده و انتقال آن‌ها از نسلی به نسل دیگر موجب فراگیر و مقاوم شدن کلیشه‌ها در برابر تغییر می‌شود (Lippmann, 1922). کلیشه‌های جنسیتی، به‌عنوان رایج‌ترین و تأثیرگذارترین انواع کلیشه‌ها در قلمرو زبان و فرهنگ، به مجموعه‌ای از باورهای ذهنی اشاره دارند که مبنای نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به مفهوم جنسیت را شکل می‌دهد (مقدم، ۱۳۹۷، ص. ۹۳). بر این اساس، زنان و مردان دارای ویژگی‌ها، رفتارها، و حالات ذهنی و روانی منحصر به فردی می‌باشند که موجب توانایی متفاوت آن‌ها در انجام امور و وظایف محوله می‌گردد.

یکی از کلیشه‌های جنسیتی که همواره در ارزیابی عملکرد مردان و زنان در جامعه مشاهده می‌شود، تمایز قائل شدن میان شیوه تفکر این دو جنسیت است، به‌طوری که رفتار منطقی به مردان و رفتار احساسی به زنان نسبت داده می‌شود (Fiske et al., 2010, p.631). به عقیده برورمن و دیگران، «مردان همواره به‌عنوان بهترین مدیران و رهبران شناخته‌شده و افرادی کاملاً منطقی، دارای هوش و استعداد بالا در ریاضیات و توانایی حل مسائل می‌باشند؛ در مقابل، زنان از نظر احساسی و ارتباط با دیگران دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های بسیاری هستند» (Broverman et al., 1972, p.64). در فرهنگ ما نیز خرافه‌گرایی، ناقص‌العقلی و دروغ‌گویی از کلیشه‌هایی است که به زنان منتسب می‌شود. همچنین، پرخاشگری، سلطه‌گری و بی‌احساس بودن در میان کلیشه‌هایی است که به مردان نسبت داده می‌شود. از همین رو، ممکن است این باورها به محدود کردن توانایی‌های زنان و مردان در تصمیم‌گیری، رشد توانایی‌های شخصی، و جستجوی مشاغل موردعلاقه منجر شود و حتی به تبعیض جنسیتی ختم گردد. بدین ترتیب، هر فرهنگ با ارائه الگوهای فکری از پیش تعیین شده، سعی بر شکل‌گیری و ترویج باورها و مفاهیم خاص خود را دارد. نظری (۱۳۹۵) معتقد است پیش‌داوری و کلیشه‌ها تحت‌تأثیر عوامل متنوعی در میان ویژگی‌های شخصیتی، جنسیتی، شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرند. بر این

4. Walter Lippmann

5. Public Opinion

اساس، آن چیزی را می‌بینیم و می‌شنویم که منطبق بر باورها و انتظاراتمان باشد، نه آنچه که در واقعیت دیده یا شنیده می‌شود.

در حالی که محققانی مانند لیم و فورنهام^۶ (۲۰۱۶) به شباهت گسترده کلیشه‌های جنسیتی موجود در فرهنگ‌های مختلف اشاره دارند، شواهد قابل توجهی نیز در خصوص تفاوت اساسی میان کلیشه‌های جنسیتی، به‌ویژه در زمینه تبلیغات وجود دارد (Koinig et al., 2020). «این تفاوت‌ها با تاکید بر تأثیر متقابل و پیچیده میان قالب‌های رسانه‌ای جهانی‌شده و هنجارهای فرهنگی بومی شده، بر نحوه تصویرسازی و درک کلیشه‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارند» (Zhu et al., 2024, p. 2). رومین^۷ (۱۹۹۹) معتقد است، تصورات افراد در مورد معنای مرد بودن یا زن بودن بر اساس نوع فرهنگ متفاوت بوده و احتمالاً موجب رویکردهای متفاوت در طبقه‌بندی کلیشه‌های جنسیتی می‌گردد.

به‌موجب مطالب یاد شده، از آنجا که ترجمه یکی از بارزترین الگوهای تعامل میان دو فرهنگ است، این احتمال وجود دارد که کلیشه‌های جنسیتی به هنگام ترجمه دستخوش تغییراتی متناسب با فرهنگ زبان مقصد قرار گیرند. از طرف دیگر، در مواردی نه چندان اندک و بنابر تصمیم مترجم، تغییری در کلیشه جنسیتی ایجاد نمی‌شود و به‌همان صورت به فرهنگ مقصد انتقال داده می‌شود (شاید به آن دلیل که مترجم قصد فرهنگ‌سازی در زبان مقصد را داشته یا آنکه کلیشه موردنظر از پیش در فرهنگ مقصد وجود داشته است).

هدف پژوهش حاضر، از یک طرف، بررسی کلیشه‌های جنسیتی موجود در مجموعه داستان *کاغذدیواری زرد* اثر پرکینز گیلمن (۱۸۹۲) و *رمان به رنگ ارغوان* اثر واکر (۱۹۸۲) براساس مدل ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳)، و از طرف دیگر، تعیین راهکارهای ترجمه آن‌ها در برگردان فارسی این آثار به‌منظور تشخیص رویکرد مترجمان در برخورد با کلیشه‌های جنسیتی می‌باشد.

نگارندگان به‌منظور یافتن پاسخ سوالات زیر به بررسی و مقایسه کلیشه‌های جنسیتی در مجموعه داستان‌های *کاغذدیواری زرد* و *به رنگ ارغوان* و ترجمه فارسی این آثار پرداخته‌اند: ۱-

6. Lim & Furnham

7. Romaine

کلیشه‌های جنسیتی موجود در آثار یادشده، براساس مدل ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳) کدامند و هریک دارای چه تناوبی می‌باشند؟ ۲- مترجمان، براساس مدل کروی (۲۰۱۳) به ترتیب از کدام راهکارهای ترجمه در برگردان کلیشه‌ها استفاده کرده‌اند؟

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. پیکره این پژوهش شامل نسخه اصلی مجموعه داستان‌های *کاغذدیواری زرد* و *رنگ ارغوان* و ترجمه فارسی آن‌ها می‌باشد. در روند انجام پژوهش، ابتدا کلیشه‌های جنسیتی موجود در نسخه اصلی کتاب‌ها براساس مدل ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳) شناسایی و دسته‌بندی گردید. سپس، ترجمه‌های متناظر در فارسی، براساس مدل کروی (۲۰۱۳) به‌منظور شناسایی راهکارهای ترجمه و تعیین رویکرد مترجمان در مواجهه با کلیشه‌های زبان مبدأ مورد بررسی قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

مرد یا زن بودن، با ایجاد تصورات و پیش‌فرض‌هایی درباره‌ی رفتار، افکار و توانایی‌های هر دو جنس در جامعه، تمامی مناسبات و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جنسیت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این تصورات و پیش‌فرض‌ها که کلیشه‌های جنسیتی نامیده می‌شوند، در هر جامعه‌ای وجود دارند و به‌عنوان عاملی برای تبعیض میان جنسیت‌ها عمل می‌کنند. در نگاه ویلیامز و بست^۸ (۱۹۹۰، ص. ۱۵) کلیشه‌های جنسیتی به «باورهای عمومی درباره تفاوت‌های موجود در نمود ذهنی زنان و مردان» اطلاق می‌شوند. این کلیشه‌ها همواره در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در ادبیات، به-شکلی پنهان تکرار و بازتولید می‌شوند.

رحمانی‌فر (۱۴۰۲) در تحقیقی با هدف بررسی آثار سعدی از منظر بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی، در بستر ادبی، تاریخی و اجتماعی با تکیه بر مدل مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳)، نشان می‌دهد که شش کلیشه از هفت کلیشه مطرح شده در این مدل در قالب عبارات و حکایات مختلف در گلستان و بوستان بازنمایی شده‌اند. نتایج این تحقیق مبین آن است که احتمالاً سعدی و مردم آن دوره نسبت به این کلیشه‌ها دیدگاه مثبتی داشته‌اند.

خجسته و قلندرزاده دریایی (۱۳۹۵) در پژوهشی با بررسی سه رمان از پرفروش‌ترین رمان‌های دو دهه‌ی ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، دریافتند که کلیشه‌های جنسیتی به‌کار رفته در این رمان‌ها،

در طول زمان تغییر نکرده‌اند. این پژوهش نشان داد که به دلیل نگارش این آثار در ژانر عاشقانه، خوانندگان تحت تاثیر همذات پنداری با شخصیت‌ها و غرق شدن در فضای داستان، به پذیرش ناخودآگاه کلیشه‌ها و بازتولید آن‌ها روی آورده‌اند.

مطابق یافته‌های پژوهش کاظمی و نواح (۱۳۹۳) در خصوص بررسی کلیشه‌های جنسیتی در برخی از داستان‌های جلال آل احمد، مشخص شد که ویژگی‌ها و نقش‌های زنان آثار او از کلیشه‌های رایج فراتر نمی‌رود و زنان در چارچوب همان نقش‌های سنتی و کلیشه‌ای حضور دارند. به عبارت دیگر، نگرش و تفکر آل احمد نسبت به زنان و مردان، ادامه‌دهنده فرهنگ و ایدئولوژی مردسالاری است که از زمان‌های دور بر جامعه ایرانی حاکم بوده است.

در دهه ۱۹۸۰، دوره‌ای که از آن به‌عنوان چرخش فرهنگی در مطالعات ترجمه یاد می‌شود، پژوهشگران حوزه ترجمه فمینیستی با توجه به هسته اصلی نظریه ترجمه فمینیستی مبنی بر «شناسایی و نقد مفاهیمی که زنان و ترجمه را به سطوح پایین‌تر اجتماعی و ادبی تنزل می‌دهد» (Simon, 1996, p.1)، به بررسی جنسیت در ترجمه پرداختند. به‌نظر چمبرلین^۹ (۱۹۹۸)، مباحث مربوط به جنسیت در ترجمه بر اساس نوع متن، زبان و فرهنگ بسیار گسترده هستند. براین اساس، کلیشه‌های جنسیتی را می‌توان به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم ترجمه به‌شمار آورد.

در همین خصوص، محققانی همچون سایمن^{۱۰} (۱۹۹۶) و فون فلوئو^{۱۱} (۱۹۹۷) با بررسی کلیشه‌های جنسیتی به‌عنوان جزء ضروری ساخت و بازنمایی جنسیت به بحث پیرامون پیامدهای ترجمه در جامعه‌ای به‌طور مشخص مردسالار و جنسیت‌زده پرداختند. فون فلوئو با برجسته‌سازی «پیوند میان کلیشه‌های اجتماعی و صورت‌های زبانی» معتقد است مسائلی نظیر «تفاوت‌های جنسیتی فرهنگی»، «آشکارسازی و فرضیه‌سازی این تفاوت‌ها در زبان» و «انتقال آن‌ها از طریق ترجمه به فضاهاى فرهنگى دیگر» در سایه چنین ارتباطی به وجود می‌آیند (۱۹۹۷، ص. ۱).

ژو و دیگران^{۱۲} (۲۰۲۴) با به‌کارگیری مدل کروی (۲۰۱۳) به بررسی راهبردهای به‌کار گرفته‌شده در ترجمه کلیشه‌های جنسیتی پرداختند. بدین منظور، کاتالوگ محصولات ۱۲ برند

9. Chamberlain

10. Simon

11. Von Flotow

12. Zhu et al.

عطر از زبان انگلیسی با ترجمه آن به زبان چینی مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که در ۵۰ درصد از موارد، کلیشه‌های جنسیتی متناسب با فرهنگ مقصد تغییر داده شده و در ۵۰ درصد موارد بدون هیچگونه تغییری به فرهنگ مقصد منتقل شده‌اند.

ژو و دیگران (۲۰۲۳) به بررسی چگونگی تشخیص کلیشه‌های زنانه در ۱۳۶ مورد از کاتالوگ محصولات عطر و نحوه ترجمه و دستکاری آن‌ها در ترجمه‌های چینی پرداختند. یافته‌های این تحقیق حاکی از دستکاری ۷۰ درصد کلیشه‌های زنانه به‌هنگام ترجمه آن‌ها از زبان انگلیسی به چینی می‌باشد. راهبردهای به کار گرفته شده توسط مترجمان شامل حذف جنسیت، افزودن جنسیت، وارونگی جنسیت، جایگزینی جنسیت و تصریح جنسیت بوده است.

در مجموع، بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد موضوع ترجمه کلیشه‌های جنسیتی، به رغم اهمیت، چندان مورد توجه محققین ایرانی قرار نگرفته است. از طرفی ژو^{۱۳} (۲۰۲۴) بر عدم به‌کارگیری چهارچوب نظری معتبر جهت شناسایی کلیشه‌ها در تحقیقات مرتبط با بررسی تاثیر ترجمه بر کلیشه‌های جنسیتی تاکید داشته و معتقد است عمده تحقیقات انجام شده به بررسی کلیشه‌ها در رسانه‌های جمعی، به ویژه زیرنویس فیلم و تبلیغات اختصاص داده شده است. از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از الگوی ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳) جهت شناسایی کلیشه‌های جنسیتی و مدل کروب (۲۰۱۳) جهت تشخیص راهبردهای به کار گرفته شده در ترجمه هر کدام از کلیشه‌ها در آثار مورد نظر، به‌منظور رفع خلأ پژوهشی موجود به نگارش درآمده است.

روش‌شناسی پژوهش

مدل به کار رفته در پژوهش حاضر جهت شناسایی کلیشه‌های جنسیتی در آثار ادبی مورد نظر، الگوی ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳) می‌باشد که دارای گویه‌های هفت‌گانه زیر است:

۱) مردان مستقل و مسلط، زنان مطیع و وابسته‌اند؛

۲) مردان باهوش و زیرک، زنان کم‌هوش و کم استعدادند؛

۳) مردان موجوداتی عقلانی، زنان موجوداتی عاطفی‌اند؛

۴) مردان مدعی و متوقع و ناراضی، زنان بی ادعا و قانع و راضی‌اند؛

۵) مردان قوی و شجاع، زنان ضعیف و ترسو هستند؛

۶) مردان فعال و رقابتی، زنان منفعل و مشارکتی هستند و

۷) مردان خشن و بی‌احساس، زنان ظریف و زیبا و بااحساس‌اند.

سپس، مطابق با مدل کروبی (۲۰۱۳)، راهبردهای به‌کار گرفته شده در ترجمه هرکدام از کلیشه‌ها مشخص گردید. برخلاف دیگر طبقه‌بندی‌های کلی راهبردهای ترجمه، رویکرد کروبی مستقیماً به پویایی‌های جنسیتی پرداخته و برای تحلیل کلیشه‌های جنسیتی در بافت‌های فرهنگی طراحی شده است. براساس این مدل، راهبردهای ترجمه کلیشه‌های جنسیتی به شش دسته تقسیم می‌شوند: وارونه کردن معرف‌های جنسیتی^{۱۴}، تشدید و کاهش معرف‌های جنسیتی^{۱۵}، حذف معرف‌های جنسیتی^{۱۶}، تصریح معرف‌های جنسیتی^{۱۷}، تلویح معرف‌های جنسیتی^{۱۸}، و حفظ معرف‌های جنسیتی^{۱۹} (کروبی، ۲۰۱۳). لازم به ذکر است به‌منظور افزایش کارایی مدل کروبی در نسخه ارتقاء یافته آن که مورد نظر تحقیق حاضر است، راهبردهای کم‌کاربردتر شامل «تشدید و کاهش معرف‌های جنسیتی»، و «تلویح معرف‌های جنسیتی» جای خود را به راهبردهای جدید شامل «جایگزینی معرف‌های جنسیتی»^{۲۰} و «افزودن معرف‌های جنسیتی»^{۲۱} داده‌اند (Zhu et al., 2024).

جایگزینی معرف‌های جنسیتی، برگرفته از مفهوم تشدید و کاهش معرف‌های جنسیتی بوده و لزوماً به معنای تشدید و کاهش نیست؛ بلکه شامل بازآرایی کلیشه‌های جنسیتی متن مبدأ از طریق جایگزین کردن آن‌ها با صفات متفاوت اما مترادف در متن مقصد می‌باشد (Zhu et al.,

14. Gender Reversal

15. Gender Amplification and Mitigation

16. Gender Omission

17. Gender Explication

18. Gender Implication

19. Gender Preservation

20. Gender Reversal

21. Gender Addition

(2024). به علاوه، افزودن معرف‌های جنسیتی، برگرفته از مفهوم تصریح معرف‌های جنسیتی بوده و شامل افزودن کلیشه جنسیتی در متن مقصد می‌باشد. بدون شک، تغییرات صورت گرفته به صورت تجربی مورد تایید واقع شده و به منظور انعکاس و بازنمایی دقیق جنسیت و کلیشه‌ها به کار گرفته شده‌اند (Zhu et al., 2024).

همچنین، در این مدل مراد از وارونه کردن معرف‌های جنسیتی، جایگزینی یک کلیشه مردانه در متن مبدأ با یک کلیشه زنانه در متن مقصد یا بالعکس می‌باشد. به علاوه، تصریح معرف‌های جنسیتی، به راهبردی اشاره دارد که به موجب آن کلیشه‌ای که در متن مبدأ به صورت ضمنی نشان داده شده، با صفتی جایگزین شود که آن کلیشه را به صورت واضح و صریح در متن مقصد نشان می‌دهد. ذکر این نکته ضروری است که تصریح معرف‌های جنسیتی با افزودن معرف‌های جنسیتی متفاوت است، چراکه در این مورد به جای افزودن کلمات جدید، کلمات کلیشه موجود تغییر داده می‌شوند تا به موجب آن کلیشه مورد نظر آشکارا مشخص شود (Zhu et al., 2024). آنچه از راهبرد حذف مدنظر است، حذف کلمه نشان‌دهنده کلیشه جنسیتی در متن مبدأ، بدون جایگزینی کلیشه‌ای در متن مقصد می‌باشد. در نهایت، مراد از حفظ معرف‌های کلیشه، حفظ و انتقال همان ویژگی کلیشه جنسیتی در متن مقصد می‌باشد. در پایان، بسامد و درصد استفاده هر کدام از راهبردها محاسبه شده است.

انتخاب آثار ذکر شده برای این تحقیق به این دلیل صورت گرفته است که مجموعه داستان *کاغذدیواری زرد* اثر پرکینز گیلمن^{۲۲} (۱۸۹۲) و *رنگ ارغوان* اثر واکر^{۲۳} (۱۹۸۲) در میان برترین و تاثیرگذارترین رمان‌های فمینیستی به شمار می‌روند. این آثار به مفاهیمی نظیر انزوای زنان، نقش فعال مردان در اعمال قدرت بر زنان و نگرش‌های غالب بر خیال‌پردازی‌های زنان می‌پردازند. همچنین، از میان ترجمه‌های موجود، ترجمه سما قرایی، دانش‌آموخته مطالعات ترجمه، از مجموعه داستان *کاغذدیواری زرد* و ترجمه‌ی امیرحسین مهدی‌زاده از *رنگ ارغوان* به عنوان تنها ترجمه این رمان انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، تعداد ۲۱۷ کلیشه جنسیتی بر اساس مدل ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱)

22. Charlotte Perkins Gilman

23. Alice Walker

و تایلر (۲۰۰۳) از نسخه اصلی مجموعه داستان‌های *کاغذدیواری زرد* و *رمان به رنگ ارغوان* استخراج گردیده است. سپس، ترجمه‌های متناظر ارائه شده در نسخه فارسی به‌منظور شناسایی راهبردهای ترجمه به‌کار رفته و در نتیجه تعیین رویکرد مترجمان در برخورد با کلیشه‌های جنسیتی زبان مبدأ مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱. حفظ معرف‌های جنسیتی

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	کلیشه	راهبرد ترجمه
۱	Say what? He ask. Celie is coming to Memphis with me. <i>Over my dead body</i> , Mr. ____ say.	پرسید: چی گفتی؟ سیلی با من میاد ممفیس. آقای - گفت: مگه از رو جنازه من رد بشه.	مرد فعال	حفظ معرف‌های جنسیتی

در جمله بالا، شخصیت مرد با خشونت کلامی و اعمال زور، تلاش می‌کند در تصمیم همسر خود دخالت کند که این امر مبین کلیشه مرد فعال است. راهبرد مورد استفاده در ترجمه این کلیشه، حفظ معرف‌های جنسیتی است که بر اساس آن اصطلاح *Over my dead body* به معادل جایگزین آن در زبان مقصد ترجمه شده است.

جدول ۲. حذف معرف‌های جنسیتی

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	کلیشه	راهبرد ترجمه
۲	But when I hear them together all I can do is <i>pull the quilt over my head and finger my little button and titties and cry.</i>	ولی هر وقت صداشون رو میشنتم تنها کاری که میتونستم بکنم این بود که لاهاف رو بکشم رو سرم و گریه کنم.	زن منفعل	حذف معرف‌های جنسیتی

جمله فوق، نشانگر منفعل بودن زن می‌باشد، زیرا زن با وجود خیانت از طرف همسرش، هیچ اعتراضی نمی‌کند و ترجیح می‌دهد با گریه خود را آرام کند. با توجه به اینکه عبارت *finger*

my little button and titties ترجمه نشده است، راهبرد مورد استفاده در ترجمه این کلیشه، حذف معرف‌های جنسیتی می‌باشد.

جدول ۳. تصریح معرف‌های جنسیتی

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	کلیشه	راهبرد ترجمه
۳	Slowly, and not unnaturally, through long association she had grown to think more and more of this rather burly and florid gentleman, a successful man, cold.	طبیعتاً، کم‌کم و در نتیجه نشست و برخاست‌های طولانی با رئیس، فکر او به کله‌اش راه یافت و علاقه‌ای نسبت به این مرد درشت اندام و شاداب در خود حس کرد. مردی موفق که خلق و خویی سرد داشت.	مرد بی-احساس	تصریح معرف‌های جنسیتی

در مثال بالا، واژه‌ی cold به معنای عاری از احساسات و بی‌عاطفه بودن است که در بردارنده کلیشه بی‌احساس بودن مرد می‌باشد. از آنجایی که معنای ضمنی این کلمه در ترجمه به صورت واضح و روشن توضیح داده شده، راهبرد مورد استفاده در ترجمه آن تصریح معرف‌های جنسیتی است.

جدول ۴. جایگزینی معرف‌های جنسیتی

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	کلیشه	راهبرد ترجمه
۴	Marriage was an honorable estate; women especially needed a protecting arm.	ازدواج پیوندی مقدس بود و زنان به ویژه به سایه سر نیاز داشتند.	زن وابسته	جایگزینی معرف‌های جنسیتی

مثال فوق بیانگر کلیشه زن وابسته می‌باشد؛ چراکه براساس این کلیشه زن بدون حضور یک مرد در زندگی، نمی‌تواند امور خود را بگذراند. عبارت *protecting arm* در معنای تحت-

اللفظی یعنی «دست محافظ»، که در ترجمه فارسی با معادل اصطلاحی «سایه‌ی سر» برگردان شده است. براین اساس، راهبرد ترجمه به کاررفته در این مثال جایگزینی معرف‌های جنسیتی می‌باشد، زیرا در برگردان عبارت *protecting arm*، عبارتی جایگزین آن شده که معنای دقیق آن نیست اما مفهوم مورد نظر را به فارسی زبان انتقال می‌دهد.

جدول ۵. افزودن معرف‌های جنسیتی

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	کلیشه	راهبرد ترجمه
۵	Matters far beyond the reach of Mrs. Johnson's busy feminine brain.	اموری که عقل ناقص و زنانه خانم جانسون به آنها قد نمی‌داد.	زن کم‌هوش	افزودن معرف‌های جنسیتی

جمله بالا، به این نکته اشاره می‌کند که مغز زن نسبت به مرد توانایی کمتری در رسیدگی به امور زندگی دارد و تلویحاً به کلیشه کم‌هوشی در زنان اشاره دارد. راهبرد مورد استفاده در ترجمه این کلیشه، افزودن معرف‌های جنسیتی است؛ چراکه واژه «عقل ناقص» در متن اصلی وجود ندارد و در ترجمه به آن اضافه شده است.

۴-۶ وارونه کردن معرف‌های جنسیتی

در این تحقیق داده‌ای مبنی بر وارونه کردن معرف‌های جنسیتی یافت نشد.

پس از شناسایی و تعیین نوع کلیشه‌ها و راهبردهای به کاررفته در ترجمه هر کدام از آنها، بسامد و درصد استفاده از آنها محاسبه شد. این اطلاعات در جدول ۶ به نمایش گذاشته شده - است.

جدول ۶. بسامد و درصد راهکارهای به کار گرفته شده در ترجمه کلیشه‌های جنسیتی

نوع راهبرد	تعداد	درصد
حفظ معرف‌های جنسیتی	۱۵۵	۷۱/۵
حذف معرف‌های جنسیتی	۱۲	۵/۵
تصریح معرف‌های جنسیتی	۱۷	۸
جایگزینی معرف‌های جنسیتی	۲۶	۱۲

۳	۷	افزودن معرف‌های جنسیتی
---	---	------------------------

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از مدل ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳) به بررسی کلیشه‌های جنسیتی موجود در نسخه اصلی مجموعه داستان *کاغذدیواری زرد* و *رمان به رنگ ارغوان* و ترجمه آن‌ها پرداخته و از طریق شناسایی راهبردهای ترجمه (کروبی، ۲۰۱۳) به کار گرفته شده، رویکرد مترجمان را مشخص نموده است.

براساس نتایج به دست آمده در این تحقیق و در پاسخ به سوال اول پژوهش در خصوص میزان تناوب کلیشه‌های جنسیتی، از مجموع ۲۱۷ مورد کلیشه‌های جنسیتی شناسایی شده در نسخه اصلی مجموعه داستان *کاغذدیواری زرد* و *رمان به رنگ ارغوان* به ترتیب کلیشه‌های مردان فعال و رقابتی، زنان منفعل و مشارکتی با ۲۷/۵ درصد (۶۰ مورد)، کلیشه‌های مردان خشن و بی‌احساس، زنان ظریف و زیبا و با احساس با ۲۴/۵ درصد (۵۳ مورد)، کلیشه‌های مردان عقلانی، زنان موجوداتی عاطفی با ۱۵/۵ درصد (۳۳ مورد)، کلیشه‌های مردان قوی و شجاع، زنان ضعیف و ترسو با ۱۳/۵ درصد (۲۹ مورد)، کلیشه‌های مردان باهوش و زیرک، زنان کم‌هوش و کم‌استعداد با ۹/۵ درصد (۲۱ مورد)، کلیشه‌های مردان مستقل و مسلط، زنان مطیع و وابسته ۶ درصد (۱۳ مورد) و کلیشه‌های مردان مدعی و متوقع و ناراضی، زنان بی‌ادعا و قانع و راضی با ۳/۵ درصد (۸ مورد) از بیشترین درصد و تناوب برخوردار بوده‌اند.

همچنین، در پاسخ به سوال دوم پژوهش درباره راهبردهای به کار گرفته در ترجمه کلیشه‌های آثار نامبرده، نتایج حاصله نشان می‌دهد راهبردهای یاد شده براساس دامنه تکرار، به ترتیب عبارت‌اند از: حفظ معرف‌های جنسیتی (۷۱/۵٪)، جایگزینی معرف‌های جنسیتی (۱۲٪)، تصریح معرف‌های جنسیتی (۸٪)، حذف معرف‌های جنسیت (۵/۵٪) و افزودن معرف‌های جنسیتی (۳٪).

یافته‌های فوق بیانگر این واقعیت است که تنها در ۲۸/۵ درصد موارد، کلیشه‌های جنسیتی در فرآیند ترجمه دستخوش تغییر شده‌اند. این تغییرات احتمالاً به دلیل تفاوت میان بازنمایی مردانگی و زنانگی در زبان‌های فارسی و انگلیسی صورت گرفته است؛ چراکه تجربه‌های تاریخی،

جهان بینی‌ها و تفکرات دینی و مذهبی هر فرهنگ با فرهنگ دیگر متفاوت است. این تفاوت‌ها به-ویژه در جوامع سنتی که مبتنی بر مردسالاری است، آشکارتر می‌باشد. در چنین جوامعی ممکن است برخی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی زن با فرودستی همراه شده و یا به خانه و خانواده محدود گردد. از طرفی، در تصویر ارایه شده از یک مرد در جوامع مردسالار، محدودیت زیادی به چشم نمی‌آید. بدین ترتیب، مترجمی که از دل چنین جامعه‌ای برآمده، در بسیاری از مواقع ناخواسته و عموماً به دلیل تثبیت و نهادینه شدن تمامی کلیشه‌ها و طرحواره‌های جنسیتی، فراتر از نقش‌های از پیش تعیین شده نمی‌رود. به عنوان مثال، جدول ۵ حاوی نمونه‌ای است که در آن کلمه‌ای مبتنی بر «عقل ناقص» در متن مبدأ آورده نشده اما مترجم این عبارت را در برگردان فارسی اضافه نموده است. این تغییر احتمالاً ناخواسته و به دلیل تثبیت کلیشه ناقص العقل بودن زنان در فرهنگ مقصد ایجاد شده است. به علاوه، یکی دیگر از دلایل تغییر و دستکاری در ترجمه می‌تواند حراست از ارزش‌های مرتبط با فرهنگ زبان فارسی و جلوگیری از اختلال حاصل از ورود کلیشه‌های جنسیتی فرهنگ زبان انگلیسی باشد. به طور مثال، در جدول ۲ اشاره شد که بخشی از کلیشه مرتبط با منفعل بودن زن حذف شده است. در این مثال، عبارت حذف شده مرتبط با اندام‌های جنسی زنانه بوده که به دلیل تابوهای فرهنگی در زبان فارسی حذف گردیده است. از طرفی، گاهی تغییرات اعمال شده دلایل فرهنگی نداشته و صرفاً جهت وضوح بیشتر متن ترجمه به کار رفته است، مانند جدول ۳ که مترجم به تصریح واژه «cold» پرداخته و جدول ۴ که «سایه سر» جایگزین عبارت «protecting arm» شده است. بنابراین، کلیشه‌ها تحت تاثیر تجربیات، نظرات، ایدئولوژی و فرهنگ مترجم، و همچنین بافت و شرایط خاص آن متن، دستخوش تغییر می‌شوند.

همچنین، نتایج نشان می‌دهد مترجمان در ۷۱/۵ درصد از موارد، کلیشه‌های جنسیتی زبان مبدأ را عیناً به زبان مقصد انتقال داده‌اند. البته این امر تا حدودی به دلیل مشترک بودن اکثر کلیشه‌های به کاررفته در آثار نامبرده میان زبان‌های انگلیسی و فارسی است. بدین معنا که، کلیشه‌های موردنظر از قبل در فرهنگ فارسی وجود داشته و پیش‌تر در ذهن جامعه و افراد تصویرسازی شده‌اند، لذا نیازی به تغییر احساس نمی‌شود. در جدول ۱، مرد سعی دارد تا از طریق اعمال خشونت بر تصمیم همسرش تاثیر بگذارد. کلیشه به کار رفته در مثال یاد شده فعال بودن مرد

می‌باشد که چون از قبل در فرهنگ و ذهن مترجم تصویرسازی شده عیناً به فارسی ترجمه گردیده است. از طرفی، باید به این نکته توجه داشت که ترجمه براساس هنجارها و ارزش‌های جامعه مقصد، هرچند می‌تواند متن مقصد را برای مخاطب روان‌تر کند، اما گاهی حفظ و تاکید بر کلیشه‌های جنسیتی در فرآیند ترجمه، ممکن است منجر به تحکیم و ترویج ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی منسوخ یا زیان‌آوری شود که به‌طور بالقوه بر دیدگاه‌های اجتماعی مرتبط با نقش‌های جنسیتی تأثیر گذاشته و باعث قضاوت افراد برپایه‌ای غیرمنطقی می‌شوند.

بدین تربیت، مترجم با آگاهی از راهکارهای مختلف و انتخاب آن‌ها بنابر موقعیت و ضرورت، ترجمه‌ای متناسب با فرهنگ خود ارائه می‌دهد. در همین خصوص، دوکات^{۲۴} (۲۰۰۷) معتقد است، راهبردهایی که به دلایل فرهنگی و ایدئولوژیک به کار گرفته می‌شوند، جزو راهبردهای دستکاری تلقی شده و منجر به انطباق متن برای مخاطب فرهنگ مقصد می‌شوند. بنابراین، لازم است مترجمان به‌هنگام ترجمه کلیشه‌های جنسیتی، تفاوت‌های فرهنگی را در نظر گرفته و نهایت دقت را در انتخاب‌های واژگانی به کار بگیرند.

این پژوهش در مقایسه با تحقیقات پیشین، نتایج نسبتاً متفاوتی را ارائه می‌دهد؛ به‌طوری که در تحقیقات پیشین حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد کلیشه‌های جنسیتی به‌هنگام ترجمه دستخوش تغییر شده بودند، در صورتی که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد رویکرد اصلی مترجمان بر حفظ ۷۰ درصد کلیشه‌ها و تغییر بخش کمتری از آن‌ها متمرکز بوده است. البته، این موضوع به دلیل تفاوت در زبان، فرهنگ و زمینه تحقیق قابل توجیه است؛ زیرا تحقیقات پیشین به مقایسه کلیشه‌ها در تبلیغات عطر در زبان‌های چینی و انگلیسی پرداخته‌اند. همچنین، از بین راهبردهای به کار گرفته شده در ترجمه کلیشه‌ها در یافته‌های مرتبط با تحقیقات پیشین، راهبردهای حذف و افزایش معرف‌های جنسیتی از بیشترین فراوانی و راهبردهای وارونه کردن و تصریح معرف‌های جنسیتی از کمترین فراوانی برخوردار بودند. در حالی که، در پژوهش حاضر راهبردهای تصریح و جایگزینی معرف‌های جنسیتی از بسامد بیشتر و افزودن و حذف معرف‌های جنسیتی از بسامد

کمتری برخوردار بودند.

پژوهش حاضر به تحلیل کلیشه‌های جنسیتی در مجموعه داستان *کاغذدیواری زرد* و رمان *به رنگ ارغوان* با استفاده از مدل ترکیبی مک‌ایونس (۲۰۰۱) و تایلر (۲۰۰۳) و همچنین بررسی راهکارهای ترجمه در برگردان فارسی آن‌ها بر اساس مدل کروی (۲۰۱۳) محدود شده است. با توجه به تعداد ناچیز تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، پیشنهاد می‌شود محققان علاقه‌مند به این حوزه، به بررسی ترجمه کلیشه‌های جنسیتی در سایر آثار ادبی، با تاکید بر دوره‌های تاریخی مشخص جهت مطالعه روند تغییر این کلیشه‌ها در متون ترجمه شده به زبان فارسی بپردازند. همچنین، بررسی ترجمه کلیشه‌های جنسیتی در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایات و تابوهای فرهنگی نیز می‌تواند به توسعه موضوع مورد نظر این تحقیق کمک کند.

منابع:

- خجسته، ف. و قلندرزاده دریایی، ف. (۱۳۹۵). کلیشه‌های جنسیتی در رمان‌های عامه پسند فارسی. *گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*.
<https://sid.ir/paper/843983/fa>
- رحمانی‌فر، س. (۱۴۰۲). کلیشه‌های جنسیتی در گلستان و بوستان سعدی «براساس الگوی ترکیبی ماکینوس (۲۰۰۱) و تایلور (۲۰۰۳)». *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۴(۲)، ۱۴۱-۱۶۷.
<https://doi.org/10.30465/ws.2023.43089.3698>
- کاظمی، س. و نواج، ع. (۱۳۹۳). بررسی کلیشه‌های جنسیتی در آثار داستانی جلال آل احمد. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۶(۱)، ۴۳-۶۳.
<https://doi.org/10.22059/JSAL.2014.53609>
- مقدم، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی. *دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی*، ۳(۵)، ۹۱-۱۰۴.
- نظری، ع. ا. (۱۳۹۵). دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری پیشداوری و تصورات قالبی در بین گروه‌های هویتی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران). *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۶(۲)، ۵۱۵-۵۳۰.

Broverman, I. K., Vogel, S. R., Broverman, D. M., Clarkson, F. E. & Rosenkrantz, P. S. (1972). Sex-role stereotypes: A current appraisal. *Journal of Social issue*, 28(2), 59-78. <https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1972.tb00018.x>

- Casey, B., Casey, N., Calvert, B., French, L., & Lewis, J. (2007). *Television studies: The key concepts*. Routledge.
- Chamberlain, L. (1998). Gender Metaphorics in Translation. In M. Backer (Ed.), *Encyclopedia of Translation Studies*, (pp. 93–96). Routledge.
- Dukāte, A. (2007). *Manipulation as a specific phenomenon in translation and interpreting*. [Unpublished doctoral dissertation]. University of Latvia.
- Fiske, S. T., Gilbert, D. T., & Lindzey, G. (Eds.). (2010). *Handbook of Social Psychology, Volume 2* (Vol. 2). John Wiley & Sons.
- Karoubi, B. (2013). Translating gender between English and Persian: Strategies and beyond. *Babel*, 59(4), 473–497. <https://doi.org/10.1075/babel.59.4.06kar>
- Koinig, I., Diehl, S., & Terlutter, R. (2020). Gender-Role Portrayals in Advertising: State of the Art and Cross-Cultural Differences. In K. Ross, I. Bachmann, V. Cardo, S. Moorti, & C.M. Scarcelli (Eds.), *The International encyclopedia of gender, media, and communication* (pp. 1–7). Wiley Online Library. <https://doi.org/10.1002/97811194.29.128.iegmc198>
- Lim, G., & Furnham, A. (2016). The universality of the portrayal of gender in television advertisements: An East-West comparison. *Psychology*, 7(13), 1608–1623. <https://doi.org/10.4236/psych.2016.713154>
- Lippmann, W. (1922). *Public opinion*. Macmillan.
- Romaine, S. (1999). *Communicating gender*. Lawrence Erlbaum Associate, Publishers.
- Simon, S. (1996). *Gender in Translation: Cultural Identity and the Politics of Transmission*. Routledge.
- Von Flotow, L. (1997). *Translation and Gender: Translating in the 'Era of Feminism'*. St. Jerome.
- Williams, J. E., & Best, D. L. (1990). *Measuring sex stereotypes: A multinational study*, Rev. Sage Publications.
- Zhu, L. (2024). Gender Issues in Translation Studies: A Systematic Literature Review. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 14(2), 792–807. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v14-i2/20426>
- Zhu, L., Ang, L. H., & Mansor, N. S. (2023). Manipulation of female stereotypes in Chinese translations of fragrance product descriptions. *Theory and Practice in Language Studies*, 13(1), 227–236. <https://doi.org/10.17507/tpls.1301.26>
- Zhu, L., Ang, L. H., & Sun, Y. (2024). Distinguishing Transcreation From Translation: Exploring Strategies to Render Gender Stereotypes. *SAGE Open*, 14(4), 1–16. <https://doi.org/10.1177/21582440241289818>